



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۱/۲۳

دوکتور نور احمد خالدي

## افغانستان چهار راه مدنيتها:

### مردم افغانستان

۲۱ نوامبر ۲۰۲۱م

قسمت اول

کلب هوس

#### مقدمه:

طوريکه قبلاً گفتيم کشور مستقلی که در جهان امروز بنام افغانستان ياد ميشود تهديد آنرا قيامهای ميرويس خان هوتکی در سال 1709م، در قندهار، اسدالله خان ابدالی در سال 1717م در هرات و تاجگزارى احمدخان ابدالی به حيث پادشاه در سال 1747م در قندهار و تشكيل یک مملکت مستقل بر خرابه های امپراطوری های مغولی، صفوی و افشاری در این سرزمینها گذاشتند.

این کشور در گذشته مدنیت های زیادی را تجربه کرده که کاوشهای باستانشناسی آثار آنها را در دسترس ما قرار میدهد. مهاجرت های زیادی هم صورت گرفته و در این مورد تئوریهایی به ارتباط مهاجرت آریاییها از شمال قفقاز، از اوکراین و سایبیریا به جنوب بطرف سرزمینهای ما موجود است. تمام این لشکرکشیها، مدنیتها و مهاجرتها بالای ساختمان نفوس این مناطق ناگذير اثر گذاشته اند. در این نوشته بالای مردم این سرزمین و ترکیبهای قومی و زبانی آن مروری میکنيم.

#### دوران ماقبل تاریخ:

کاوشهای باستان شناسی از موجودیت یک مثلث تمدنی که سرزمینهای افغانستان امروزی در قلب آن واقع شده در عصر قبل از تاریخ پرده برمی دارند. این مثلث تمدنی شامل مدنیت های باختر و مرغاب (مدنیت دریا های آمو-مرغاب و هریرود) Bactria-Margiana Civilisation در شمال و شمالغرب کشور و مدنیت وادی دریای سند The Indus Valley Civilisation (هریپه و موهینجو دارو) در جنوب و شرق در پاکستان امروزی میباشد. این سه مدنیت قدامت 5300 ساله دارند. مدنیت دریا های آمو، مرغاب و هریرود شامل تمدن های ماورالنهر، آریانای عصر عتیق و خراسان باستان اند و مدنیت هرپه و موهینجارو شامل تمدنهای شمال هند، پاکستان و افغانستان شرقی و جنوبی میباشد.

همانگ با این کشفیات باستانشناسی، مطالعات ژنیتیکی اخیر (پروفیسور مازیار، پوهنتون پورتسمت انگلستان) ریشه اقوام پشتون و تاجیک افغانستان را در تمدن وادی سند تثبیت مینماید و ریشههای اقوام ترکتبار (ترکتبارها عمدتاً شامل اوزبیکها، ترکمنها، هزارهها و ایماقها میگردند) کشور را در مدنیت های ماورالنهر (آسیای میانه) و مغولستان مینماید.



از جانب دیگر این کشفیات باستان شناسی و ژنیتیکی به اسطوره های شامل ریگویدا و اوستا که قدیمترین منابع تاریخی و مذهبی مردم منطقه در عصر عتیق میباشند مهر تایید میزند. ریگویدا سلسله کتابهای مذهبی براهمنه هندوها است که به زبان سانسکریت نوشته شده است. سرودهای ویدی که بین سالهای ۲۵۰۰ الی ۱۵۰۰ قبل از میلاد قسماً در سرزمینهایی که امروز افغانستان نامیده می شود، وجود داشته و بعد در هندوستان تکمیل گردیده اند، به حیث مأخذ و منبع مهم تاریخ قدیم منطقه به شمار می رود و ما گفته می توانیم که دوره تاریخی در این مناطق با سرودهای ویدی آغاز گردیده است. در سرودهای ریگویدا از موجودیت مردم آریایی از هندوکش در افغانستان امروزی تا شمال هندوستان اطلاع داده که در وادی های هفت دریا زنده گی می کردند که از جمله آنها از دریاهای کنر، کابل، سند و هلمند نام می گیرد.

در نقشه آتی اسم دریاهایی که در کتاب ریگویدا از آنها نامبرده شده به حروف درشت انگلیسی و دریاهایی که در کتاب اوستا از آنها نام برده شده به حروف کوچک انگلیسی نوشته شده اند:



در این سرودها از مهاجرت این اقوام یادآوری شده که تعدادی از دانشمندان جهت این مهاجرتها را از شمال افغانستان امروزی به هندوستان و تعدادی دیگر با زوال تمدن دریای سراسواتی که به دلایلی خشک شد، از هندوستان به جانب افغانستان تثبیت می کنند. مطالعات اخیر ژنیتیکی ریشه اقوام پشتون و تاجیک افغانستان را نیز مدنیت دریای سند می داند از این جهت به تیوری مهاجرت از شرق به غرب و شمال بیشتر وزنه می دهد. با استفاده از سانسکریت و ریگویدا دانشمندان بهتر به تفسیر سرودهای شامل اوستا نایل شدند. اوستا که کتاب مذهبی زردشتیان باختر زمین است و قدامت 3600 ساله دارد. بلخ محل نزول اوستا توسط زردشت می باشد. در

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

اوستا از آریاناویچه یا مهد مردم آریو، که دانشمندان موقعیت آن را در بدخشان تثبیت می‌کنند صحبت شده و از مهاجرت مردم آریانا ویجه به شانزده شهر اوستایی، که بیشترین آن‌ها در سرزمین افغانستان امروزی تا وادی سند موقعیت دارند، تذکر به عمل آمده است.

کتاب‌های ریگ‌ویدا و اوستا دو گنجینه تاریخی اند که گذار از مرحله استوره به مرحله تاریخ در واقعیت با این دو اثر در کشور ما آغاز یافته و بیشترین متکای اکثر پژوهش‌های اساتید تاریخ باستان را نیز، در شرق و غرب، همین دو اثر تشکیل می‌دهند.

سرزمین‌های افغانستان امروزی موطن باشندگان نه (9) ولایت از این شانزده (ولایت) اهورایی اوستا است (بدخشان، بلخ، فاریاب، هرات، قندهار، کابل، بامیان، هلمند، غزنی) که مردمان آن‌ها در استوره و تاریخ همه باهم یکجا زنده‌گی کرده اند. تنها ری از سرزمین امروزه فارس جز ولایات اهورایی نامیده شده است. بدخشان مرکز "ایرانویجه" اوستا است و بلخ محل نزول اوستا توسط زردشت می‌باشد. اگر ما به فرض مردم ولایات اهورایی اوستا و ویدا را "آریایی" بنامیم، مردم فارس در این تعریف شامل نیستند؛ ولایت آریا در اوستا که به وضاحت در نقشه‌های قبل از میلاد یونانی‌ها نشان داده شده شامل مناطق جنوب‌غرب کوه‌های هندوکش بوده هریوا و هرات امروزی است؛

ایران شاهنامه همان اراشهر اوستایی است که کاملاً در افغانستان امروزی واقع شده است؛ شاهان اسطوره‌های پیشدادی و کیانی همه مربوط به سرزمین‌های افغانستان امروزی و بخصوص بلخ بوده قهرمانان اسطوره رستم، سهراب و گرشاسپ همه از این سرزمین‌ها بوده اند. گرشاسپنامه اسد طوسی و شاهنامه فردوسی طوسی در توصیف پادشاهان و قهرمانان افسانوی ایران یا سرزمین‌های افغانستان امروزی اند، نه از فارس.

زبان اوستایی همان زبان باختری، بلخی تخاری است که در حوزه باکتريا و بلخ به میان آمده است. زبان اوستایی زبان کهن آریاییان باختر است. اساساً زبان آریاییان حوزه باختر "آری" گفته می‌شده که پس از نوشتن کتاب اوستا در هزاره یکم قبل از میلاد بدان زبان، معروف به زبان اوستایی گردید.

وقتی یونانی‌ها در ۳۳۰ قبل از میلاد به باختر زمین رسیدند با استفاده از این اسطوره‌ها و سرودها سرزمین‌های شمال دریای آمو را "باکتریانان" و سرزمین‌های افغانستان امروزی را "آریانا" و سرزمین‌های شمال غرب یا خراسان عهد اعراب را "پارتیا" نام دادند و در نقشه‌های خود به همین نام‌ها یادداشت کردند (اراتوستین قرن سوم قبل از میلاد). اراتوستین قدیم‌ترین نقشه جهان قرن سوم قبل از میلاد را ترسیم کرده که در کتابخانه اسکندریه در مصر موجود بود.

### آریایی‌ها، حقیقت چیست و افسانه کدام است:

در بیشتر از یک و نیم قرن اخیر بسیاری مؤرخین و جامعه شناسان باور به کوچ یا مهاجرت آریایی‌ها از شمال قفقاز و جنوب روسیه به سه جانب، به غرب به جانب اروپا، جنوب به جانب ایران امروزی و جنوب شرق به جانب افغانستان و هند باور داشتند. بدین گونه منشأ مردم این سرزمین را آریایی میدانند.

باید اذعان کرد که این عقیده کوچ آریایی‌ها چندان سابقه تاریخی ندارد. برای بار اول سر ویلیام جونز انگلیسی در اواخر قرن هژدهم به شباهت‌های ریشه‌های زبان‌های هند و اروپایی پی می‌برد و اصطلاح زبان‌های هند و اروپایی را معرفی می‌کند. همزمان با او دانشمند فرانسوی به نام آدیرون که اوستا شناس بود و اولین ترجمه اوستا را به زبان اروپایی (فرانسوی) انجام داد، در سال‌های 1760م می‌خواست اشاره بکند به قومی که اوستا را نوشته اند. او با استفاده از کلمه آریا ویجه که در اوستا بود معادل فرانسوی آن را به شکل آریان Arian اختراع کرد و این قوم را آریان نامید. در دهه‌های بعدی نویسنده‌گان آلمانی به تدریج شباهت زبانی هند و اروپایی را به شباهت نژادی ارتقا می‌دهند چون به مساوات نژادی عقیده نداشتند و در جستجوی یک نژاد برتر بودند نژاد آریان را تبلیغ می‌کنند.

تا این زمان هنوز کسی اصطلاح فارسی دری "آریایی" را نساخته بود. در دهه آخر قرن نوزدهم مرزا آقاخان کرمانی اولین شخص ایرانی است که به نژاد آریان اشاره می‌کند. رضا شفق در کتاب معروف "تاریخ ایران باستان" برای اولین بار از اصطلاح "آریایی" در قرن بیستم استفاده می‌کند. از آن به بعد اصطلاح "آریایی" به زیربنای ایدئولوژیک و نژادی ناسیونالیست‌های فارس، به مثابه یک نژاد برتر، با دنباله‌روی از آدولف هیتلر، مبدل می‌گردد که به موجب آن اسم رسمی فارس را به ایران مبدل می‌کنند، کتیبه‌های سنگی جعل شده هخامنشی‌ها از زیر خاک‌ها برون می‌آیند، پادشاهان هخامنشی آریایی می‌شوند، قبر کس مادر سلیمان را بنام کورو ش نامگذاری میکنند، آهورا مزدا خدای آن‌ها می‌شود و امثالهم.

اما امروزه بسیاری از محققین سرشناس در ایران به مهاجرت آریایی‌ها از شمال به ایران امروز یا فارس باستان عقیده ندارند، کتیبه‌های هخامنشی را جعلیات ساخته شده دربار شاه می‌دانند، از جمله دکتر شاهرخ وفاداری پژوهشگر ایران باستان، رضا ضیا ابراهیمی پژوهشگر تاریخ ایران و استاد در دانشگاه آکسفورد در یک مصاحبه با تلویزیون فارسی بی بی سی در این مورد صحبت می‌کنند که به تیوری مهاجرت آریایی‌ها به عنوان یک نژاد عقیده ندارند. دکتر مازیار استاد ژنیتک در پوهنتون پورث سمث انگلستان در این مصاحبه می‌گوید: "همچون

مهاجرتی را علم ژنیتیک تأیید نمی‌کند. آن‌ها می‌گویند اینکه آریا در اوستا به یک قوم یا یک طبقه خاص در جامعه و یا به زبان اطلاق می‌شده ما چیزی نمی‌دانیم."

بر همین منوال استاد معاصر ایرانی دکتور مرادی غیاث آبادی در یک مصاحبه با بخش فارسی رادیو فرانسه می‌گوید مردم ایران باشندگان بومی همین سرزمین ایران بوده اند و از جای دیگری به این سرزمین کوچ نکرده اند. در مورد آریایی‌ها او می‌گوید آریا در (اوستا) و آریو (کوشانی‌ها) مردم سرزمینی بوده در شمال و شمالغرب افغانستان امروزی بلخ و هرات.

در هماهنگی با این اظهارات برای بار اول تحقیقات ژنیتیکی در مورد اقوام افغانستان منتشره جریده پلوس وان، چاپ بیست و هشتم مارچ سال ۲۰۱۲م به قرابت ژنیتیکی اقوام پشتون و تاجیک دلایل فزینی ژنیتیکی ارایه می‌کند و تیوری مهاجرت آریایی‌ها را از شمال به جنوب بطور مستدل مورد سوال قرار می‌دهد.

برای بعضی‌ها مربوط ساختن تاجیک‌ها به "آریایی‌ها" و دیده پوشی از ریشه "آریایی" پشتون‌ها به حد تعصب بالا رفته است، اما حقیقت این است که هرگاه مردمی را که ما امروز به نام آریین یا آریایی، از خیرات نوشته یک دانشمند فرانسوی در اخیر قرن هژدهم می‌شناسیم، وجود داشته باشد اقوام پشتون و تاجیک هر دو شامل آن اند.

پروفیسور نظروف منشأ مشترک آریایی اقوام پشتون و تاجیک را مطرح می‌کند. مرحوم میر غلام محمد غبار و احمدعلی کهزاد از آریاییهای پختانه و دادیک نامبرده اند. برای بعضی فعالین سیاسی تاجیک قبول چنین فرضیه، هم نژاد بودن پشتون و تاجیک، در حقیقت نقض کامل تهداب اپیدئولوژیک برتری نژادی فرضی آن‌ها بر قوم پشتون محسوب گردیده شدیداً آن را مورد سوال می‌برند.

حالا جای دارد تحقیق کنیم تا بدانیم که آریایی یعنی چه؟ منشأ این نامگذاری زبانی است یا نژادی؟ آریایی‌ها کی‌ها بودند و در کجا زندگی می‌کردند؟ آریایی‌ها از کجا آمده اند؟ آیا فرضیه مهاجرت و کوچ آریایی‌ها از شمال قفقاز به جنوب به سرزمین‌های آسیای میانه، ایران امروزی، افغانستان امروزی و هندوستان حقیقت دارد؟ منشأ این فرضیه بر چه استوار است؟ آیا افغانها و ایرانی‌ها آریایی هستند؟ برای پاسخ دادن علمی به این سوالات تاکنون تحقیقات کافی صورت نگرفته است.

بقیه دارد  
نفوس افغانستان